

بانو-با-شهامت-افغان-ه-برا-نجات-بماران-جان-اش-را-از-دست-داد-را-بهرتر-بشناسم-

مروند. دو «Safe room» صدا نحس ترانداز در فضا مد، ربار س از ربار، ارمنندان صح(بهداشت) محل ارشان را تر منند و به سمت درب اتاق مصئون بمار در حال ولادت اند و دوزن در لباس قابله از وضعت بماران مراقبت منند

به در موده بهتر است اتاق بماران را تر ننند، اما دوم نمندرد. موده ار بروند، احتمال دارد بماران و ودان شان جان هاشان را از دست بدهند. سار ارمنندان صح اصرار منند و سرانجام حاضر مشوده برا حفظ جاننش، آن جا را تر ننند، اما دوم نمندرد و به تنها بالا سر دو بمار مماند

حدود 10 دقیقه زمان مبرده از سلامت نوزادان و بهتر شدن وضع بماران مطمئن شود. سس موشد آن جا را تر ننند، اما درها به روش بسته اند و تقلا او برا زنده ماندن، در سود ندارد. بانو ه در شرایط حساس، مر خود را به زنده دو بمار و نوزادان شان ترجیح داد، سرانجام از سو تفنداران از آمد ورش در مان دود و آتش سوخت

به زارش روزنامه «هشت صبح» آن بانو مرمر نوزاد بود. مرمر در شب و روزها داخل افغانستان در دهه 60 متولد شد او به ممته سویدن (سوئد) درس ها قابله را در انستوتوت غضنفر دنبال ند. او درس حدود سه سال را در 18 ماه به شل فشرده رفت و دوباره به م بانوان ولاتش، مدان ورد در جنوب افغانستان شتافت. با آغاز زنده مشترش، 12 سال در لند در آن جا بود، باق مائد و همواره با بانوان باردار (حامله) م مرد تا ان ه نازها بش تر برا توجه به فرزنداننش را حس رد

مرمر سه فرزند داشت: «احسان الله 13 ساله، محمدالاس نه ساله و سنا ونم ساله. برا ان ه بتواند آنده روشن را برا فرزنداننش رقم زند به بامان رفت و س از آن با شوهرش به شهر ملونابله ناه آورد و در اتخت مسن زد. ودانش به متب مرفتند و خودش نز در مقاطع مختلف در نندن «شفاخانه (بمارستان) خصوصار رد، تا ان ه سرانجام جا با جمعا از بانوان در خواست ار اش را به داتران بدون مرز فرستاد

س از ند، از مان 40 تا 50 بانو، او و سه بانو در موفق شدند در شفاخانه 100 بستر نسا و ولاد (زاشاه) داتران بدون مرز در دشت بر در غرب ابل صاحب ار شوند. از آن جا ه خانه اش نز در همان حود بود، زنده بسرو صدا را تجربه مرد. بامداد برا ار به آن جا مرفت و شاماه بر مشت

بامداد سه شنبه 12 مه 2020، بخبر از سرنوشته قرار بود با آن روبه رو شود، برا ار به سمت شفاخانه حرت رد. حوالا ساعت 10 ش از ظهر آن روز، سه مرد تفندار بر شفاخانه 100 بستر دشت بر ابل هجوم بردند و محافظان دهن درب را به ربار بستند. مرمر نوزاد با بانو در، در اتاق از دو بمار محافظت مردنده قرار بود ولادت ننند. صدا فرها در وش مد و همه سراسمه در فر حفاظت از جان هاشان مافتند، اما برا مرمر در آن زمان، زنده دو خانم باردار و نوزادانه قرار بود به دنا باند، مهم تر اند. اصرار مداوم همارانش سبب مشوده در قابله ه با مرمر در اتاق بود، برا رفتن به اتاق قانع شود. با وجود تأد همارانش، او نمخواهد ه آن دو بمار را در شرایط وضع حمل تنها بذارد و ترجیح مدهد در همان اتاق بماند «Safe room» مصئون

ترانداز در وش مد و آر خطر مدام تمرزش را به هم مزند، اما برا مرم بش تر از مر خودش، زنده دران اهمت مابد

وضع حمل دو بمار تا 10 دقیقه طول مشد و نوزادان سالم، اما در رودار جند و خون رز به دنا مآند. خال مرم راحت مشود. آن اه فر مند ه شاد انون با درب بسته روبه رو مشود. تقلا مند و به هر سمت مدود، اما ااره ساز نست. او خود را در «Safe room» بتواند آن جا را ترند، اما به محض رفتن به سمت ام مر میند، اما ااره جز تلاش برا نجات جانش ندارد. مهاجمان میند ه مرم در صحن حود برا رفتن به اتاق مصئون تلاش مند و لحظه ا در ندرده، بمهابا به مغزش شل منند

مرم در نار دو موتر استاده در آن جا مافتد و جان مسارد. اند نمزده موترها س از فرها مداوم آتش مرنند و جسد مرم در مان آتش مسوزد. جند در دوام مند و سرانجام با حضور نروها امتان مابد. زخمان روداد به شفاخانه آتاتر و قربانان به طب عدلز شقانون، منتقل مشوند

خانواده او از هر راه ممن خواهند با و تماس برقرار نند، اما و در ارساز نست. شفاخانه ها را هم جست و جو منند، اما اسم و لا فهرست قربانان و زخمان دده نمشود. شب سخت بر خانواده او صبح مشود و آفتاب در بامداد غمن از شت وه بالا مآد، اما از مرم خیر نست. فردا همان روز، خانواده و برا افتن او به شفاخانه نسا و ولاد داتران بدون مرز مراجعه منند و س از اصرار، به درون محوطه راه مابند

از هماران مرم موده و را آخرین بار در نار موترها دده است ه در آن حمله آتش رفته و جز آهن ااره، ز در از آن ها نمانده است. خانواده او جست و جو منند و انشتر، عد و موبالش را به عنوان نشانه مابند. آناه به مرز طب عدلز شقانون، مروند و تنها جسد باق مانده در آن جا راه در مان آتش سوخته است، بر مدارند

در آن حمله، 24 غرنظام، از جمله ندن نوزاد و مادر بمار، شته شدند و 16 تن در زخم برداشتند. مرم نوزاد، قابله اه متوانست خودش را نجات دهد، ترجیح داده در نار بمارانش بماند و زنده آنان و نوزادان شان را نجات بدهد. س نماداند بمارانده مرم از آنان مراقبت مرد، زنده اند ا خر، اما وا از بماران در مان قربانان روداد دده شده است

مرم نوزاد اما تا آخرین رمق حاتش به آنه تعهد رده بود، ابند ماند و با به رخ شدن شهامتش، نداشت بمارانش نبود او را در وضعت حساس حس نند